

آینه

عناوین

یادداشت: «موفقیت مقدماتی مذاکرات»؛ علی خرم
نباید برخی رسانه‌ها اجازه دهند جایگاه آنها سکوی تضعیف مذاکره‌کنندگان قرار گیرد... در فضای داخلی کشور برخی ناآگاهانه یا از موضع جناحی به تضعیف پروسه مذاکره پرونده هسته‌ای و مذاکره‌کنندگان مشغول هستند فضای باز و دموکراتیک بعد از انتخابات به همه اجازه می‌دهد هر نظر و عقیده‌ای را مطرح سازند که در جای خود بسیار محترم و ارزشمند است ولی نباید از فضای برای تضعیف مذاکرات پرونده هسته‌ای که پروژه‌ای ملی است استفاده شود که حاصل آن خدشه به منافع و امنیت کشور خواهد بود.
یادمنز ترفته در هشت سال گذشته برای نقل قول از ترجمه گزارش مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که در خبرگزاری‌های دولتی به چاپ رسیده‌بود برخی نویسندگان و تحلیل‌گران تحت تعقیب قرار گرفتند و اکنون هیچ حد و حصری بر اظهار نظر‌ها و مواضع انتقادی وجود ندارد.

تازان

یادداشت: «یک پیشنهاد هسته‌ای؛ دور بعدی مذاکرات در تهران باشد»؛ مصطفی دانهنده
چرخیدن سانس‌ترنقیوز در کنار اقتصاد ایران، مهم‌ترین شعار حسن روحانی در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری ایران بود. بعد از گذشت سال‌های متمادگی که مذاکرات ایران و کشورهای ۵+۱ در کشورهای اروپایی و بعضاً آسیایی برگزار می‌شد، اینبار و در دور بعدی مذاکرات، ایران و تهران میزان این شطرنج دیپلماتیک باشد؟ به نظر می‌رسد دیگر می‌شود پای دیپلمات‌ها را به کشورمان باز کنیم تا دور بعدی مذاکرات که بسیار مهم نیز هست به میزبانی ایران برگزار شود... حضور در جغرافیای ایران بدون شک می‌تواند زمینه‌ساز افزایش قدرت چانه‌زنی ایران در این مذاکرات شود.

پژ

یادداشت: «مذاکرات هسته‌ای و بالستیک ایرانی»؛حسن بهشتی‌پور
نکته مهم این است که دولت کنونی نباید به هیچ‌وجه در مذاکرات هسته‌ای به مباحث رژیم صهیونیستی وارد شود.دولت با این حال می‌تواند با مطرح کردن این مساله در مجامع بین‌المللی و همچنین اشاره به حسن نیت خود مبنی بر مبارزه با سلاح‌های هسته‌ای و تلاش برای ایجاد دنیای عاری از هر گونه تنش و سلاح، سایر قدرت‌ها را به همکاری فراخوانده و در مقابل زباده‌خواهی رژیم صهیونیستی اجماع نظری را شکل دهد. از این طریق می‌توان اسرائیل را ملزم کرد تا زیر نظر آژانس، اصول NPT را بپذیرد.

دعوت‌آوردن

سرمقاله: «صورت مساله واقعی چیست؟؛ مهدي محمدی
یکی از انشنبه‌ترین تحلیل‌های ممکن این است که کسی تصور کند اکنون دعوا بر سر موضوع هسته‌ای است. هم آمریکا‌یی‌ها و هم طرف‌های متعددی در داخل، ولو نمی‌گویند اما کاملاً در این‌پاره به جمع‌بندی رسیده‌اند که مساله هسته‌ای صرفاً گام اول است و به‌مثابه سکویی برای گام‌های بعدی که همه آنها در محیط سیاست داخلی ایران به‌ویژه انتخابات مجلس و خبرگان تعریف می‌شود، عمل خواهد کرد و این هدف، یعنی تغییر دادن معادله قدرت در ایران برای آمریکا‌یی‌ها آتقدیر مهم است که برای رسیدن به آن حاضر خواهند بود در موضوع هسته‌ای عمیقاً متفاوت‌تر از آن چیزی رفتار کنند که تاکنون پنداشته می‌شده است. تغییر دادن معادله قدرت در ایران به نفع غریب‌ایان، اخراج جریان انقلابی از صحنه سیاسی کشور، آراستن فضا برای حمله همه‌جانبه به آراءمان‌های اصلی انقلاب و اجتماعی‌کردن خط سازش، آتقدیر برای آمریکا‌یی‌ها اهمیت دارد که مسایل تکنیکال و مذاکراتی در این‌پاره که با برهمنیت هسته‌ای ایران چه باید کرد، به مرتبه سوم و چهارم اهمیت منتقل می‌شود.

مذاکرات

یادداشت: «به جای سکوت از نظام و ارزش‌ها دفاع کنید»؛ عباس حاجی‌نجاری

وزیر محترم ارشاد! پس از اعلام عدم رضایت در مورد توقیف روزنامه بهار، در واکنش به حکم قاضی دادگاه فرهنگ و رسانه در توقیف روزنامه آسمان، در پاسخ به پرسش خبرنگاران می‌گویم: در رابطه با آسمان اظهار نظر نمی‌کنم، چون توقیف روزنامه دست ما نیست. این سکوت در حالی است که بر اساس اصول دوم و سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی موظف به تحقق ارزش‌های اسلامی شده و رئیس محترم جمهور نیز در اصل ۱۲۱ برای اجرای آن سوگند یاد کرده است. حال جای این سوال نیست که چرا مسئولان دولت مرز خود را با این جریان روشن نمی‌کنند و به جای سکوت و متأسفانه کمک‌های مالی به اینگونه رسانه‌ها که جای بسیار تلفات است، به رسالت اصلی دولت جمهوری اسلامی نمی‌پردازند؟

کیتان

سرمقاله: «از بیابانه تا اقدام»؛ حسین شمسیان
ابلاغ سیاست‌های «اقتصاد مقاومتی» را باید در زمره مهم‌ترین اتفاقات سال جاری دانست. اگر دولت لایحه‌ای نمی‌دهد، طرح نمایندگان مردم می‌توند تکلیف را روشن کند. حال باید دید مصوبات مجلس راه را بر واردات باز می‌کند یا تسهیل فضای کسب‌وکار و تولید؟ آیا براساس مصوبات مجلس، پس از ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، شاهد واردات کالاهای لوکس و اتومبیل‌های چند میلیاردی با ارز نفتی خواهیم بود یا نه شاهد سرمایه‌گذاری جدی و مهم در صنایع و مشاغل اشتغال‌زا،زودبازده و آرزآور؟ حقیقتاً نقش مجلس در این موضوع بی‌پدیل است و به‌عنوان ناظران قانونی دولت وظیفه‌ای خطیر بر عهده نمایندگان است.

روایت وکیل شاکی خصوصی بابک زنجانی در گفت‌وگو با «شرق»

چه کسی ۵/۱تن طلا را بالا کشید؟

محمد نوروزی

همین چند روز پیش بود که بیژن زنگنه وزیر نفت از طلب ۱۱۰هزار تومانی هر ایرانی از بابک زنجانی گفت اما برخی ایرانی‌ها طلب‌های میلیاردی از او دارند. یکی از شاکیان بابک زنجانی هزار و ۵۰۰کیلو طلا برای او خریداری کرده و معادل ۸۰میلیون دلار طلبکار است. یکی دیگر از شاکیانش هم شش میلیون یورو اوراق ارزی دست او دارد. با این حساب او حتی اگر بدهی‌هایش را با نفت صاف کند تازه طلب ۱۱۰هزار تومانی ۷۶میلیون ایرانی را داده و چند نفر در صف طلبکارهایش هنوز منتظر خواهند بود. روح‌الله غلامی، وکیل دو نفر از شاکیان زنجانی درباره او و کارهایش می‌گوید:

داستان موکل شما و بابک زنجانی از کجا آغاز شد؟

آقای زنجانی از طریق موکل بنده هزار و ۵۰۰کیلو طلا از طریق کشور «غنا» خریداری می‌کند تا آن را به «دوبی» انتقال دهد. انتقال به «دوبی» هم برای تحویل به «ریفاینری» (DMCC – پالایشگاه تخلیص طلا) برای تعیین «عیار» طلا بود. بنابراین، نه مبدا ایران بود، نه مقصد. این طلا هیچ ارتباطی به ایران نداشت.

موکل شما چیست؟
تماایل ندارد رسانه‌ای شود.

کارش چیست؟
نماینده فروش یک شرکت معدن کلو استخراج و فروش طلا در آفریقااست.

در خرید طلا هم رابط زنجانی بود؟
بله. اینکه زنجانی چطور با اعتبارات نفتی و سفته‌بازی ثروتمند می‌شود، در جریانات پیش آمده برای ما بخشی از آن مشخص می‌شود.

چطور؟
بابک زنجانی سه نفر از کارمندان خود به نام‌های «ی»، «ز» که از دوستان «م» هستند و «وم.م» را که کارمند خودش بود به کشور «غنا» می‌فرستاد تا ۱/۵تن طلا خریداری کنند.بر اساس این معامله این مقدار طلا به ارزش ۸۰میلیون‌دلار خریداری و مبلغ ۱۲میلیون دلار به آنها پرداخت و مقرر می‌شود باقیمانده مبلغ معامله پس از تایید عیار طلا از سوی «ریفاینری» دوبی، به فروشنده پرداخت شود. برای همین زنجانی ۱۵۰میلیون‌دلار به حساب «وم.م» در بانک خود در مالزی واریز می‌کند تا آنها مطمئن شوند.

و آنها قبول می‌کنند؟
بله. اما وقتی من به حساب شما پول واریز می‌کنم و شما نمی‌توانید برداشت کنید به چه معناست؟ یعنی من به شما پولی ندادم، کاغذ دادم و با اعتبارات آن بازی می‌کنم. تفکری که بانک مالزی راه انداخته، همین است.

موکل شما آن زمان کجا بود؟

خودش هم آفریقا بود.

در چه سالی این اتفاق افتاد؟

سال ۹۱ بود.

پس این موضوع ربطی به ماجرای طلای ایران در ترکیه در سال ۸۷ که اردوغان گفته بود خدا در شرایط بحران اقتصادی برای ما پول فرستاده، ندارد؟

نه. در این ماجرا طلاها توسط سفنماینده زنجانی آزمایش و سپس از تایید کارشناسان گمرک در صندوق‌های مخصوص حمل طلا، بسته‌بندی و باگبری می‌شوند. مسیر رفت هواپیما، فرودگاه‌های استانبول، بنغازی لیبی، کوتوکااکرا (غنا) و دربرگشت، فرودگاه‌های کوتوکااکرا، آتاتورک استانبول، امام‌خمینی(ره) تهران و دوبی اعلام می‌شود. با وجود اینکه مشخص در مسیر برگشت نام فرودگاه آتاتورک استانبول قید شده بود اما زمانی که هواپیما برای ساعاتی در استانبول توقف می‌کند، در اقدامی مشکوک دلیل فساد، نقص فنی هواپیما عنوان می‌شود که بعد هم می‌گویند علت نقص مدارک پرواز بوده است.

فرودگاه لیبی دیگر چرا؟

یکبار با «ج ی» و «ب ز» در جلسه‌ای در هتل «اوبن» بودم، همین را از آنها پرسیدم که گفتند: «حتی اگر هواپیما باری هم باشد، باید برای مسافراتش بلیت صادر شده باشد» به گفته خودشان سدهزاردلار احتمالاً به آمریکا‌یی‌ها در «بنغازی» رشوه می‌دهند تا دوباره پرواز کنند. اتفاقاً برای «بابک زنجانی»، «ج م» و «ج ش» هم پاسپورت صادر شده بود اما آنها نمی‌روند. طلا را تحویل می‌گیرند و طلا به جای دوبی به سمت ترکیه می‌رود. ترکیه حساسیت نشان می‌دهد و محموله را توقیف می‌کند. اینجا «رضا ضراب» وارد می‌شود و با دادن رشوه، طلا را آزاد می‌کند و طلا به مقصد دوبی حرکت می‌کند.

سیاست

اینکه چرا به لیبی رفته‌اند معلوم نیست، ظاهراً بدشان نمی‌آمده هواپیمایشان تابلو بود.

بازداشت رضا ضراب در ترکیه در همین رابطه بود؟

یکی از رشوه‌هایی که داده مربوط به همین ماجراست و البته اعلام کرده که آدم زنجانی بوده و برای او کار می‌کرده است. شخصی به نام «دواوغلو» که از کارمندان خود بابک زنجانی در «هلدینگ» او در ترکیه بود، اعلام می‌کند که قرار بسود ۵۰۰کیلوگرم از این محموله در استانبول تخلیه و مابقی به ایران حمل شود. اینجا سروصدای زیادی به پا می‌شود که ایران می‌خواسته است با غنا از طریق طلا معامله کند در حالی که اصلاً

نه مبدا نه مقصد ایران نبوده است. البته گفتیم که در اسناد، نام فرودگاه امام‌خمینی(ره) هم ذکر شده بود اما این طلاها ربطی به ایران نداشت. رسانه‌ها خبر را منتشر می‌کنند و فشار بر غنا زیاد می‌شود، کشور‌های غربی هم نسبت به این مساله حساس می‌شوند، بعد می‌گویند ایران در حال تهاتر طلا است، چه اتفاقی می‌افتد؟ ایران در زمینه طلا تحریم می‌شود. حتی کسانی که در غنا به بابک زنجانی طلا فروخته بودند هم بازداشت می‌شوند.

چرا هواپیما مستقیم به مقصد «دوبی» نرفت؟

دقیقاً معلوم نیست. دلیلی نداشت هواپیما به جای دیگری برود. هواپیما می‌توانست مستقیماً به «دوبی» حرکت کند و حتی نیازی به سوختگیری هم نداشته اما چرا به ترکیه باید می‌رفت باید از زنجانی پرسید. در «استانبول» با سر و صدای زیاد، رسانه‌های گروهی از جریان حمل طلاها باخبر می‌شوند و به فروغ محل تخلیه به جای امارات، ایران اعلام می‌شود. انتشار و انعکاس گسترده همین خبر موجب می‌شود تا تهاتر طلا با ایران تحریم شود و قیمت طلا در بازار داخل نیز به طرز سرسام‌آوری افزایش پیدا کند و این به سود بابک زنجانی تمام می‌شد.

چقدر مطمئند که همین مساله باعث تحریم طلای ایران شد؟
این چیزی که می‌گویم احتمال است. وقتی قطعات پازل را کنار هم می‌گذارید نتیجه این می‌شود. آقای زنجانی خلافتش را ادعا می‌کند، دادگاه یکبار احضارش می‌کرد تا از خودش دفاع کند. چرا همه‌جا باز رد طلا جابه‌جا می‌کند؟ با آن همه نفوذ چرا تلاش در ترکیه گیر کرد؟

گزارش «ریفاینری» را به شما ندادند؟
زنجانی می‌گفت طلاها را تحویل «ریفاینری» دادیم و آنان گفتند که طلا نیست و ادعا می‌کند گواهی‌اش را هم دارد. یکبار در جلسه‌ای که خود زنجانی و کسانی که طلا را گرفته بودند حضور داشتند از او خواستم گزارش «ریفاینری» را ارائه کند که از همین موضوع بسیار عصبانی شد و شروع به پرخاشگری و توهین کرد.

بعد چه شد؟
در مرحله اول زنجانی به موکل من زنگ می‌زد و «ایمیل» می‌فرستاد و تهدید می‌کرد که من ۱۲میلیون‌دلار پول دادم و تو طلای قاچاقی به من فروخته‌ای. موکل به ایران برمی‌گردد و همراه «وم.م»، «ج ی» و «ب ز» برای اولین بار به محل شرکت سورینت کیش برده می‌شود و آقای بابک زنجانی را در محل شرکت «سورینت‌کیش» می‌کند.

چرا موفق به احضارش نشدید؟
من ابتدا حتی موفق به ثبت و ارجاع شکایت نشدم و گفتند سرپرست دادرسی مربوطه دستور داده تا از مسافرت نیامده شکایتی علیه زنجانی می‌کند.



ملاقات می‌کند. در این ملاقات هم موکل‌م را که مرد مسنی هم هست تهدید می‌کنند.

ایمیل‌های بابک زنجانی که موکل شما را تهدید کرده هنوز دارید؟

بله، ولی خب طبیعی است که مستقیماً با «ایمیل» خودش این کار را نکرده اما از طرف او بوده است...
چرا موکل شما را تحت‌فشار قرار می‌داد؟

ظاهراً به‌خاطر اینکه با این کار، او با زنجانی همدستی کند و وجوه طلا به آفریقای‌ها پرداخت نشود یا حداقل مدعی حق‌الزحمه خود و پرداخت وجوه طلا نشود و ادعای تقلبی بودن طلا را تایید کند.

موکل شما پیش از این هم با بابک زنجانی ارتباط داشته؟

نه بار اول بوده... به او هم می‌گویند طلاهای تقلبی بوده و گزارش «ریفاینری» هم دارد می‌رسد، چه کار می‌کنی؟ موکل من در توافقات‌های می‌گوید حاضر است ۱۵۰سهم کارخانه خود را به صورت امانت به آنان بدهد به شرط اینکه کالا «مرجوع» شود، گزارش «ریفاینری» دوبی تحویل شود و به او و کالنتامه

تام‌الختیار اقامه دعوا در «غنا» علیه فروشندگان داده شود و در توافقات‌مه قید می‌شود که این را به‌عنوان «امانت» به شما می‌دهم اگر «مرجوع» کالا و گزارش «ریفاینری» را بدهید و حق با شما باشد، من در یک بازه زمانی سعی می‌کنم پول شما را برگردانم اگر نتوانستم، این ۱۵۰سهم کارخانه برای شما این گواهی‌نامه با «ج ی» به نمایندگی از بابک زنجانی انجام شده بود اما بابک زنجانی پایش را امضا نکرده بود برای همین دست

ما برای شکایت از او خالی بود. ما صبر کردیم تا اینکه خود بابک زنجانی بر اساس این توافقات‌مه از موکل من شکایت کرد. معنای این این بود که بابک زنجانی توافقات‌مه را پذیرفته است. ما هم بر همین اساس شکایت کردیم.

۹ماه شکایت ما طول کشید. خود آقای زنجانی در مصاحبه با «اسنا» درباره طلاها گفته بود که طلاهای ما را گرفتند. او نگفته که طلاها تقلبی بوده است، اما هرچه تلاش کردیم نتوانستیم زنجانی را احضار کنیم از سوی دیگر «و. م. م» از طرف زنجانی مامور می‌شود تا معامله‌ای را برای خرید طلا با شخصی دیگر تدارک ببیند. در جریان آن معامله، «م. م» شش میلیون یورو اوراق ارزی نفت و گاز پارس را از سوی این خریدار دوم که به صورت امانت به موکل من داده شده بود با ترفند از او سرقت می‌کند. احضار کنیم از سوی دیگر «و. م. م» از طرف زنجانی مامور می‌شود تا معامله‌ای را برای خرید طلا با شخصی دیگر تدارک ببیند. در جریان آن معامله، «م. م» شش میلیون یورو اوراق ارزی نفت و گاز پارس را از سوی این خریدار دوم که به صورت امانت به موکل من داده شده بود با ترفند از او سرقت می‌کند. احضار کنیم از سوی دیگر «و. م. م» از طرف زنجانی مامور می‌شود تا معامله‌ای را برای خرید طلا با شخصی دیگر تدارک ببیند. در جریان آن معامله، «م. م» شش میلیون یورو اوراق ارزی نفت و گاز پارس را از سوی این خریدار دوم که به صورت امانت به موکل من داده شده بود با ترفند از او سرقت می‌کند.

احضار کنیم از سوی دیگر «و. م. م» از طرف زنجانی مامور می‌شود تا معامله‌ای را برای خرید طلا با شخصی دیگر تدارک ببیند. در جریان آن معامله، «م. م» شش میلیون یورو اوراق ارزی نفت و گاز پارس را از سوی این خریدار دوم که به صورت امانت به موکل من داده شده بود با ترفند از او سرقت می‌کند.

درباره روش کار زنجانی می‌توانید توضیح دهید؟
برای مثال زنجانی در حساب مرادی در بانک خودش در مالزی ۱۵۰میلیون‌دلار واریز می‌کند ولی اجازه برداشت به او نمی‌دهد یعنی پول کاغذی بدون اعتبار و بی‌رواقعی. بانک مالزی او یک «اینوستمنت بانک» است و نمی‌تواند شعبه داشته باشد و محل فعالیت این بانک در منطقه آزاد لاووان مالزی است، این بانک فقط می‌توانسته کارگزار سرمایه‌گذاری‌های کوچک باشد نه نقل‌وانتقال پول. این عین قوانین تجاری مالزی است اما وقتی من به حساب شما پول واریز می‌کنم و شما نتوانید برداشت کنید به چه معناست؟ یعنی من به شما پولی ندادم. با این تفکر بانک مالزی را راه انداخته است. زنجانی یک پولدار پوشالی است. با همین پول بی‌رواقعی در حساب «و. م» غنایی‌ها را فریب داده والا از ابتدا هم پول طلاها را نداشت است.

فکر می‌کنید او از حمایت جایی یا کسی برخوردار است؟

نمی‌دانم. ادعایی می‌کنند.

از اقدامات زنجانی در نفت هم اطلاعی دارید؟
در جریان نفت اطلاعی ندارم، اما بحث ما این است که مگر بابک زنجانی کیست که نتوان به پرونده‌اش رسیدگی کرد؟

پرونده موکل شما الان در چه وضعیتی است؟

نسبت به قسمتی از پرونده قرار منع تعقیب به نفع زنجانی صادر شده ولی در خصوص طلا، مفتوح است و در حال حاضر همه پرونده‌های وی به یکی از شعب دادرسی کارکنان دولت ارجاع شده که متأسفانه برای ثبت لایحه به مشکل خورده‌ایم که در این خصوص لایحه را به دادستان تهران جهت ثبت داده‌ام و منتظر دستور ایشان هستم و فعلاً روند دادرسی متوقف به نظر می‌رسد.

ادامه از صفحه اول

مذاکره برای حل منازعه

هرگاه بازیگران با رفتارهای خود در صحنه بین‌المللی، در مسیر دست‌یافتن به نتایج ناهمگن (تفاوت در منافع) گام بردارند انتظاری جز به‌صحنه‌درآمدن منازعه را نباید داشت. هرچه گستردگی ناهمخوانی پیامدهای موردنظر بازیگران فزون‌تر باشد، مناقشه شدیدتر و عمیق‌تر خواهد بود. اگر دو کشوری که درگیر بحران هستند به این باور دست یابند که باید به حل‌وفصل منازعه بین خود بپردازند باید در این مسیر گام بردارند که ناهمگنی بین نتایج مطلوب‌نظر خود در صحنه بین‌المللی را تا حد ممکن کاهش دهند. برای اینکه ذهنیت حل‌وفصل بحران، موفقیت را تجربه کنند بازیگران باید رفتار مبتنی بر حاصل جمع جبری صفر (رقابت صرف) در روابط بین خود را به کناری بگذارند و پیامدها و نتایجی را در رابطه با یکدیگر دنبال کنند که در شکل حداقلی آن تعاملات ترکیبی (رقابت در کنار همکاری) و در شکل حداکثری آن تعاملات مبتنی بر حاصل جمع جبری مثبت (همکاری محض) را مطلوب بباید.

مناقشات که ریشه در ناهمگنی پیامدهای (تفاوت منافع) موردنظر بازیگران دارد تنها هنگامی به‌طورواقعی و دایمی حل‌وفصل می‌شوند که دوطرف منازعه، تعریف متفاوتی از منافع ملی را در رابطه با یکدیگر به صحنه آورند. تا زمانی که این مهم حیات‌نیلید هر نوع مذاکره‌ای تنهاوتنها منافع بازیگر توانمندتر، نافذتر و برخوردار از جایگاه رفیع‌تر در عرصه بین‌المللی را تأمین خواهد کرد.

منبع دیگر حیات‌بخش منازعه بین کشور‌ها،فهم متفاوت آنان است. برخلاف بحران‌های بین بازیگری که برخاسته از ناهمگنی نتایج و پیامدهای موردنظر طرفین منازعه است، گاهی منازعات بین بازیگری به جهت پابندی طرفین مناقشه به شیوه‌های متفاوت برای رسیدن به اهدافی است که کشور‌ها در رابطه با آن اهداف، اشتراک‌نظر دارند. اما به‌دلیل اینکه بازیگران فهم متفاوتی نسبت به جهان دارند، شیوه‌های متمایزی را برای تحقق اهداف مطرح می‌کنند. تفاوت شناختی کشور‌ها به‌طورکلی دو گزینه را محتمل می‌سازد. یک سوی طیف منازعه، مطلوب‌ترین گزینه برای تحقق اهداف مشترک را همکاری ترسیم می‌کند درحالی‌که بازیگر واقف‌شده در سوی دیگر طیف، رقابت را گزینه غایی مطرح می‌کند. برای حل‌وفصل مناقشات از این دست، بازیگردان باید تلاش را بر این قرار دهند که تفاوت شناختی را به حداقل برسانند.

بحران‌هایی که منشأ در فهم متفاوت بازیگران دارند از نوع «منازعات نرم» هستند و استعداد فزاینده‌ای را برای حل‌وفصل به صحنه می‌آورند. این امکان نیز هست که سرچشمه بحران بین بازیگری، تمایزایدئولوژیک باشد. جهان‌بینی متفاوت کشور‌ها به جهت اینکه مدل‌های ذهنی متمایزی را شکل می‌دهد، مناقشات‌شدیدی را در رابطه با سیاست‌ها، اهداف و تاکتیک‌های عملیاتی بین بازیگران به وجود می‌آورد. حل‌وفصل بحران‌هایی که ماهیت ایدئولوژیک دارند بسی مشکل است مذاکرات برای حل‌وفصل بحران بین طرفین درگیر در یک منازعه ایدئولوژیک، به جهت اینکه بازیگران اساساً اعتبار فزاینده‌ای برای گزینه رقابت قایل هستند و گزینه همکاری را هزینه‌آور تشخیص می‌دهند، نهایی‌ن جز حاصل جمع جبری صفر را رقم نخواهد زد.

با درنظرگرفتن تمامی نکات رزوی طیف مذاکرات، مناقشات «بین‌بازیگری» که ریشه در تفاوت شناختی دارند بیشترین استعداد را برای حل‌وفصل و منازعات برخاسته از تفاوت‌های ایدئولوژیک و کمترین استعداد را برای مصالحه به صحنه می‌آورند.

درحاصل این دو، پرواضح است که مناقشات برخاسته از تفاوت منفعتی قرار می‌گیرند که امکان حل‌وفصل آنها تنها هنگامی امکان‌پذیر می‌شود که محاسبات بازیگران درگیر در بحران، آن را دیکته کند

توسعه یافتگی‌های مادی و غیر مادی

آیا این شرایط ایجاد و امکانات به کار گرفته‌شده و تشریحی که سخنگوی فرانسوی از شرایط ظاهری تهران به دست داده است، با شرایط جامعه از لحاظ فرهنگی و اجتماعی مطابقت دارد؟ چنانچه قدری انصاف توأم با صراحت و نگاه به درون داشته باشیم، از نحوه برخورد مردم با یکدیگر که نمونه بارز آن دعواهای مطرح در کالنتری‌ها و دادگاه‌هاست یا نحوه رانندگی و سلامت روانی جامعه و مواردی از این دست است می‌توان به نتایج روشنی رسید. در صورت عدم مشاهده نقیای زندگی شهری در جامعه، به ریشه این حالت‌ها و نارسایی‌ها که برآمده از فقر مادی، تأمین حداقل‌های بهداشتی، تغذیه و... است پی می‌بریم. آیا جامعه در شرایط فعلی از این امکانات برخوردار است تا رفتار صحیحی در امور اجتماعی از خود نشان دهد و آیا مجموعه تربیون‌های در اختیار دولت، طی ۵۱سال گذشته توانسته است این حداقل‌های رفتاری را فراهم سازد؟

چنانچه پاسخ مثبت نیست، تنها راحل و درمان این است که دولت تدبیر و امید از هر لحاظ اختیارات کامل داشته باشد و واقعاً احساس کند که در پیشرفت امور که متشعب از برنامه‌ریزی‌هاست، مجموعه‌های مختلف مزاحم نیستند. در غیر این صورت، آش و کاسه همان است.